



محمد مهدی فجری

اشاره:

در شماره گذشته به مناسبت هفته «احسان و نیکوکاری» به بررسی موضوع «احسان در قرآن و سنت» پرداختیم و احسان را از نگاه قرآن و سنت بررسی کردیم. در ابتدای این مقاله مباحثی همچون: «اهمیت احسان»، «انگیزه احسان»، «آثار دنیوی احسان» و... بررسی شد و اکنون ادامه این مقاله تقدیم می‌گردد.

آثار اخروی

بر اساس آیات قرآنی، گرچه اثرات دنیوی احسان و نیکوکاری قابل انکار نیست؛ اما آثار اخروی آن بیشتر، بهتر

و ماندگارتر است.^۱ برخی از آثار اخروی احسان عبارت است از:

۱. محبوبیت

احسان و نیکوکاری، باعث محبوبیت انسان نزد خدا و خلق می‌شود. جدای از تعابیر بسیاری که درباره انسانهای نیکوکار در قرآن کریم آمده است، جمله زیبای: ﴿وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾^۲ «و نیکو کنید! که خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد.» بیانگر جایگاه و ارزش احسان و نیکوکاری در پیشگاه خدا می‌باشد.

۱. نحل / ۳۰.

۲. بقره / ۱۹۵.

۲. پر منفعت ترین معامله

کسانی که از قدرت جسمی، اقتصادی و اجتماعی خود برای کمک به دیگران استفاده می کنند، در حقیقت با خدا وارد معامله می شوند. به همین خاطر، محبوب پروردگار شده، او جایگاه ویژه ای برای شان در نظر می گیرد. حضرت علی علیه السلام می فرماید: «عَلَيْكَ بِالْإِحْسَانِ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ زِرَاعَةٍ وَ أَرْبَحُ بَضَاعَةٍ»^۱ بر شما باد به احسان و نیکوکاری در حق دیگران، که آن برترین و پرمنفعت ترین کشت و زرع و سود آخرتی برای شما خواهد بود.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله برای نشان دادن اهمیت احسان به ایتام، دو انگشت سبابه و میانی خود را نشان داد و فرمود: «أَنَا وَ كَافِلُ الْيَتِيمِ كَهَاتَيْنِ فِي الْجَنَّةِ»^۲ من و آن کسی که سرپرستی

۱. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، تحقیق: مصطفی درایتی و حسین درایتی، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۸ ش، ص ۳۸۳.

۲. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، سید محمود آلوسی، تحقیق علی عبدالباری عطیه، اول، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۳۰۸؛ الدر المشور فی تفسیر المأثور، جلال الدین سیوطی، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم،

یتیمی را بپذیرد، در بهشت بسان این دو انگشت در کنار یکدیگر خواهیم بود.

۳. بهترین توشه آخرت

احسان به عنوان بهترین توشه آخرت معرفی شده است. قرآن کریم با تأکید بر این مطلب فرموده است: ﴿وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ...﴾^۳ «و در آنچه خدا به تو داده، سرای آخرت را بطلب و بهره ات را از دنیا فراموش مکن و همان گونه که خدا به تو نیکی کرده است، نیکی کن!» امام علی علیه السلام می فرماید: «طُوبَى لِمَنْ أَحْسَنَ إِلَى الْعِبَادِ وَ تَزَوَّدَ لِلْمَعَادِ»^۴ خوشا به حال کسی که به بندگان خدا نیکی کند و برای روز قیامت توشه بردارد.

آداب احسان

آثار احسان و نیکوکاری پرشمار است اما برای برخورداری از این آثار، رعایت برخی از نکات ضروری است. در آموزه های اسلامی «آداب احسان و

۱۴۰۴ ق، ج ۲، ص ۱۵۸؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، مؤسسة الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ ق، ج ۳۵، ص ۱۱۷.

۳. قصص / ۷۷.

۴. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۱۴۹.

نیکوکاری» ذکر شده است؛ با مرور اخلاق اسلامی و آداب معاشرت به نکاتی پی می‌بریم که شایسته است مورد توجه مؤمنان قرار گیرد.

الف) نیت خالص

بر اساس آیات و روایات، «اخلاص» اساس دین و شالوده محکم آن است و هیچ عملی بدون آن پذیرفته نمی‌شود. در اسلام افراد با اخلاص کسانی هستند که علاوه بر همراه کردن اعمال خویش با قصد قربت، انتظار و توقع تعریف و ستایش نداشته،^۱ به هیچ کس جز پروردگار امید ندارند،^۲ ظاهر و باطن آنها یکی است^۳ و تعریف و مذمت مردم نزدشان مساوی است؛^۴ چراکه آنان در هر کاری فقط رضای خدای متعال را در نظر می‌گیرند و تنها

به خاطر او عملی انجام می‌دهند. در مقابل، خدا کار با اخلاص آنان را می‌پذیرد،^۵ آن را زمینه‌ساز برترین موفقیتها قرار می‌دهد،^۶ و امور دنیوی و اخروی آنان را خود به عهده می‌گیرد، چنانکه امام سجاد (علیه السلام) می‌فرماید: «... فَإِذَا فَعَلْتَ بِالْإِخْلَاصِ جَعَلَ لَكَ عَلَى نَفْسِهِ أَنْ يَكْفِيكَ أَمْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛^۷ زمانی که کارهایت را با اخلاص انجام دادی، خدای متعال عهده‌دار کارهای دنیا و آخرت می‌شود.»

بنابراین، آنچه که در نظام ارزشی اسلام اهمیت دارد، کیفیت (کار با اخلاص) است و با این ملاک و معیار کار انسان ارزش‌گذاری می‌شود، نه کمیت و مقدار آن. قطعاً اتفاق یک دانه خرمای حلال و به دور از ریا، از هزاران اطعام دیگران با مال حرام یا به قصد ریا بهتر است.^۸

۱. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، فضل بن حسن طبرسی، انتشارات ناصر خسرو، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۲ ش، ج ۱، ص ۴۰۹.

۲. عیون الحکم و المواعظ، علی بن محمد لثی واسطی، تصحیح حسین حسینی بیرجندی، دارالحدیث، قم، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش، ص ۶۵.

۳. نهج البلاغه، سید محمد حسین موسوی (سید رضی)، ترجمه محمد دشتی، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمومنین، بوستان کتاب، قم، نامه ۲۶.

۴. بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۲۹۴.

۵. مکارم الأخلاق، حسن بن فضل طبرسی، انتشارات شریف رضی، قم، چاپ چهارم، ۱۴۱۲ ق، ص ۵۳.

۶. بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۱۸۴.

۷. الخصال، شیخ صدوق، انتشارات جامعه مدرسین، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق، ج ۲، ص ۵۶۶.

۸. مثالهای زیبای قرآن، ناصر مکارم شیرازی،

احسان به نیازمندان، لطف ما به آنان نیست؛ بلکه وظیفه‌ای است که خدا بر عهده تک تک افراد جامعه اسلامی گزارده است

(ب) رعایت اولویتها

خدا می‌فرماید: ﴿يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُ مِنْ خَيْرٍ فَلِلَّوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ﴾^۱ «از تو سؤال می‌کنند که چه چیز انفاق کنند؟ بگو: هر خیر و نیکی (و سرمایه سودمند مادی و معنوی) که انفاق می‌کنید، باید برای پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و مستمندان و درماندگان در راه باشد و هر کار خیری که انجام دهید، خدا از آن آگاه است.» و لازم نیست تظاهر کنید.

براساس این آیه شریفه، در صورتی

که پدر و مادر شخص انفاق کننده نیازمند باشند، بر سایرین مقدم هستند، پس از آنها، حق تقدم با دیگر خویشاوندان است، سپس ایتام و بچه‌های بی سرپرست، سپس نیازمندان و مستمندان جامعه و بالاخره مسافران در راه مانده و مانند آن، که باید مورد دستگیری باشند. این ترتیب و رعایت این اولویتهای، چقدر زیبا و هماهنگ با فطرت انسانی است!

علامه طبرسی رحمته الله ذیل این آیه به نکته مهمی اشاره می‌کند و آن اینکه: جد و جدّه و هر چه بالا روند نیز مشمول اسم والدین می‌باشند.^۲

اینکه انسان بتواند احسان خویش را به مستحقین واقعی برساند، و در تشخیص اولویتهای دچار اشتباه نشود، نکته مهم دیگری است که رسیدن به آن تنها با لطف الهی محقق می‌شود. اهمیت این نکته تا جایی است که امام سجاد علیه السلام در «دعای مکارم الاخلاق» از خدا می‌خواهد که او را به درست انفاق کردن

انتشارات امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم، ج ۱، ص ۱۱۳.

۱. بقره / ۲۱۵.

۲. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، فضل بن حسن طبرسی، انتشارات ناصر خسرو، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش، ج ۲، ص ۵۴۸.

هدایت کند تا احسان را در مسیر درست و صحیح به مصرف برساند: «وَأَصْبِ بِي سَبِيلَ الْهَدَايَةِ لِلْبِرِّ فِيمَا أَنْفَقُ مِنْهُ»^۱

ج) احسان از مال حلال

گرچه در تعالیم اسلامی، احسان مورد سفارش بسیار قرار گرفته است؛ اما باید توجه داشت که احسان و کمک مالی به دیگران، زمانی باارزش است که با مال حلال پرداخت شود، در غیر این صورت نه تنها چنین حمایتی ارزشی ندارد؛ بلکه گناه آن دامن گیر انفاق کننده خواهد شد. رسول خدا ﷺ در آخرین خطبه‌ای که ایراد کردند، فرمودند: «...مَنْ اكْتَسَبَ مَالًا حَرَامًا لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ مِنْهُ صَدَقَةً وَلَا عِتْقًا وَلَا حَجًّا وَلَا اِعْتِمَارًا وَكَتَبَ اللَّهُ بَعْدَهُ أَجْزَاءَ ذَلِكَ أَوْزَارًا»^۲ هر کس مالی را از راه حرام به دست آورد، خدا هیچ‌گونه عمل خیری (همچون) صدقه، آزاد کردن بنده، حج و عمره از او

نمی‌پذیرد، و به اندازه ثواب این کارهای خیر، در نامه اعمال او گناه نوشته می‌شود.»

د) رعایت اعتدال

در روایتی می‌خوانیم: جوان مستمندی بر در خانه پیامبر ﷺ آمد. چون در خانه حضرت چیزی برای بخشش آماده نبود، جوان تقاضای پیراهن کرد، پیامبر ﷺ پیراهن خود را به او داد، و همین امر سبب شد که نتواند آن روز برای نماز به مسجد برود... در این هنگام این آیه نازل شد: «وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا»^۳ «هرگز دستت را بر گردنت زنجیر مکن، (و ترک انفاق و بخشش منما!) و بیش از حد (نیز) دست خود را مگشای، تا مورد سرزنش قرار گیری و از کار فرومانی!» و به پیامبر ﷺ هشدار داد که این کار تکرار نشود.^۴

سؤالی در اینجا به ذهن می‌رسد

۱. صحیفه سجادیه، منسوب به امام سجاده (ع)،

دعای مکارم الاخلاق.

۲. ثواب الأعمال و عقاب الاعمال، شیخ صدوق، انتشارات شریف رضی، قم، چاپ سوم، ۱۳۶۴ ش، ص ۲۸۳.

۳. اسراء / ۲۹.

۴. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، طبرسی، ج ۶، ص ۶۳۵؛ تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی و جمعی از نویسندگان، دار الکتب الاسلامیه، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش، ج ۱۲، ص ۹۱.



جدی قرار گرفته است،^۲ گرچه حفظ کرامت انسان، مصادیق متعددی دارد؛ اما در این مجال به چگونگی کمک به خانواده‌ها اشاره می‌شود که مناسب است مورد توجه نیکوکاران قرار گیرد.

آموزه‌های اسلامی نشان می‌دهد کمکی بالارزش‌تر است که در آن آبرو و شخصیت افراد حفظ شود، و خواری یا سرافکندگی نیازمندان را به همراه نداشته باشد، در حالی که برخی مواقع کمک مستقیم و بی‌واسطه به خانواده‌های مستمند، و یا بخشیدن اجناس فرسوده و غیر قابل استفاده و... در حقیقت به سرمایه‌های معنوی و عزت نفس آنان لطمه می‌زند و به همین خاطر برخی از آنان حاضرند آتش فقر و تنگدستی را تحمل کنند؛ ولی دچار تخریب منزلت و شخصیت خود نشوند. در سیره امامان معصوم علیهم‌السلام، به خصوص حضرت علی علیه‌السلام مراجعه شبانه و ناشناس به منازل نیازمندان و یتیمان، و برآورده کردن نیاز مالی و خوراکی آنان پرشمار است. در سیره

که: آیا میانه‌روی در انفاق با ایثار تضاد دارد؟! با در نظر گرفتن آیاتی که دستور به «رعایت اعتدال در انفاق» می‌دهد، این سؤال پیش می‌آید که چرا در سوره «دھر» و آیات دیگر قرآن و همچنین روایات، ستایش و مدح ایثارگرانی شده که حتی در نهایت سختی از خود می‌گذرند و به دیگران می‌دهند، این دو چگونه با هم سازگار است؟! دقت در شأن نزول آیات، و همچنین قرائن دیگر، پاسخ این سؤال را روشن می‌سازد و آن این است که: دستور به رعایت اعتدال در جایی است که بخشش فراوان سبب نابسامانیهای فوق‌العاده‌ای در زندگی خود انسان گردد، و یا ایثار سبب ناراحتی و فشار بر فرزندان شود و نظام خانوادگی‌اش را به خطر افکند، در صورتی که هیچ‌یک از اینها تحقق نیابد، مسلماً ایثار بهترین راه است.^۱

هـ) حفظ کرامت انسانها

در نظام اسلام، حفظ کرامت انسان و به تبع آن کرامت خانواده مورد توجه

۱. برگرفته از تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۹۸.

۲. اسراء / ۷۰.

امام سجاد علیه السلام نیز می‌خوانیم که با استفاده از تاریکی شب و در حالی که صورتش را پوشانده بود، به خانواده‌های مستمند کمک می‌کرد.^۱ و حتی پسرعمویی داشت که شبانه به او کمک می‌کرد؛ اما او امام علیه السلام را نمی‌شناخت و از اینکه دیگران به او کمک می‌کنند؛ اما امام از او دستگیری نمی‌کند، ناراحت بود، و امام را نفرین می‌کرد. امام علیه السلام نیز گفته‌های او را می‌شنید؛ اما هرگز خود را به او معرفی نکرد. زمانی که امام به شهادت رسید و کمکهای شبانه قطع شد، او متوجه موضوع شد.^۲

این نکته نشانگر اهمیت فوق‌العاده آبروی مؤمن از دیدگاه اسلام است. هرگز اسلام اجازه نمی‌دهد که به خاطر کمک و احسان، عزت و آبروی مسلمانی لگه‌دار و قلبش جریحه‌دار گردد. قرآن مجید می‌فرماید: «قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِنْ صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَا

أَذَى وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ»^۳ «گفتار پسندیده (در برابر نیازمندان) و عفو (و گذشت از خشونت‌های آنها)، از بخششی که آزار به دنبال داشته باشد، بهتر است، و خداوند بی‌نیاز و بردبار است.»

طبق این آیه شریفه، هرگاه جواب منفی دادن به فقیر، همراه با ادب و احترام باشد، بهتر از پاسخ مثبتی است که همراه با آزار و اذیت باشد.

و چه زیباست انفاقهایی که همراه با ادب و احترام باشد. و چه زیباتر، انفاقی که کمک کننده از اینکه توان بیش‌تری نداشته، عذرخواهی می‌کند! و این حالت روحانی عالی در سیره ائمه معصومین علیهم السلام فراوان به چشم می‌خورد.^۴

(و) احسان در حدّ توان

هرگاه سخن از نیکوکار به میان می‌آید، انسانهای ثروتمند به ذهن تبادر می‌کند، در حالی که هر کس به میزان توانایی خود می‌تواند نام خود را به

۳. بقره / ۲۶۳

۴. سوگندهای پر بار قرآن، ناصر مکارم شیرازی، گردآوری و تحقیق: ابوالقاسم علیان نژادی، انتشارات امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم، چاپ دوم، ۱۳۸۶ش، ص ۴۱۷.

۱. تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، باقر شریف قرشی، ترجمه محمدرضا عطایی، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۲ش، ج ۱، ص ۱۳۳.
۲. همان.

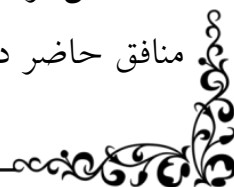


این مسلمان مخلص کردند که: «عجب خرمایی! اگر سربازها آن را بخورند، حتماً پیروز می‌شوند. ابو عقیل! این همه خرما را چطور آوردی؟»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از این سخنان و رفتار منافقان ناراحت شد و خطاب به ابو عقیل انصاری فرمود: «ابو عقیل! جلو بیا و خرماهایت را روی این تل خرما بریز تا باعث برکت آنها شود.» در این هنگام آیه ۷۹ سوره توبه در شأن ابو عقیل و در مذمت منافقان نازل شد: ﴿الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾؛ «آنهايي که از مؤمنان مطيع در صدقاتشان عيبجويي مي‌کنند، و کسانی را که (برای انفاق در راه خدا) جز به مقدار (ناچیز) توانایی خود دسترسی ندارند، مسخره می‌نمایند، خدا آنها را مسخره می‌کند (و کیفر استهزاکنندگان را به آنها می‌دهد) و برای آنها عذاب دردناکی است!»

گفتنی است که احسان در طول

عنوان نیکوکار ثبت کند. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله مسلمانان را برای یکی از جنگهای صدر اسلام آماده کرده بود و آنها آذوقه تهیه می‌کردند. هر کس به میزان توانایی خود کمک می‌کرد. حتی یکی از مسلمانان چهار هزار من خرما به پیامبر صلی الله علیه و آله تقدیم کرد. «ابو عقیل انصاری» که یکی از مسلمانان فقیر مدینه بود، علاقمند به مشارکت در این بسیج مالی و شرکت در این همیاری عمومی بود؛ ولی تمامی درآمد روزانه او تنها به میزان حداقل معاش خانواده خودش بود. به ناچار تصمیم گرفت، شبها نیز کار کند و درآمد آن را به عنوان کمک به پیامبر صلی الله علیه و آله تقدیم نماید. وی شبها از بیرون مدینه آب آشامیدنی می‌آورد و به مردم می‌فروخت. حاصل و درآمد این کار شبانه و تلاش خستگی‌ناپذیر او تنها به اندازه تهیه یک من خرمای نامرغوب شد که آن را خالصانه به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تقدیم کرد و عرضه داشت: یا رسول الله! این هم کمک من برای سربازان اسلام. جمعیت منافق حاضر در آنجا، شروع به تمسخر



که باید در احسان و نیکوکاری مورد توجه قرار گیرد. رسول خدا ﷺ می فرماید: «أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِخَيْرِ خَلَائِقِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ الْعَفْوُ عَمَّنْ ظَلَمَكَ وَتَصِلُ مَنْ قَطَعَكَ وَالْإِحْسَانُ إِلَى مَنْ أَسَاءَ إِلَيْكَ وَإِعْطَاءُ مَنْ حَرَمَكَ؟^۶ آیا شما را خبر ندهم به بهترین شیوه های دنیا و آخرت؟ گذشت از هر که به تو ستم کرده، پیوست با هر که از تو بریده، احسان به هر که به تو بدی کرده و بخشش به هر کس که از تو دریغ داشته است.»

عواقب ترک احسان و نیکوکاری

قرآن کریم در سوره «معاون» با بازگویی اثرات شوم انکار معاد در اعمال منکران می فرماید: «أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْإِيمَانِ فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ وَلَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ؟^۷ آیا کسی که روز جزا را پیوسته انکار می کند دیدی؟ او همان کسی است که یتیم را با خشونت می راند، و (دیگران را) به اطعام مسکین تشویق نمی کند.»

در سوره «الحاقه» نیز پس از

سال و عدم اکتفا به انفاق موسمی،^۱ انفاق از بهترین چیزها،^۲ به اندازه بر طرف کردن نیاز دیگران،^۳ سعی در خدمت رسانی،^۴ عدم افراط و تفریط در نیکوکاری^۵ و احسان به کسی که به انسان بدی کرده، از دیگر مواردی است

۱. در زیارت جامعه کبیره در توصیف معصومان عليهم السلام می خوانیم: «وَعَادَتُكُمْ بِالْإِحْسَانِ؛ احسان جزء عادت (و سیره دایمی) شماست». بر این اساس پیروان آن بزرگواران نیز احسان و نیکی خود را در طول زندگی ادامه می دهند و منتظر برپایی مراسمی خاص نمی نشینند.

۲. آل عمران ۹۲.

۳. امام سجاده عليه السلام می فرماید: «حَقُّ السَّائِلِ إِعْطَاؤُهُ عَلَى قَدْرِ حَاجَتِهِ؛ حق نیازمند آن است که به مقدار نیازش به او ببخشی (و نیازش را برطرف سازی)». من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶۲۵.

۴. امام کاظم عليه السلام: «أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى مُوسَى عليه السلام أَنْ مِنْ عِبَادِي مَنْ يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالْحَسَنَةِ، فَأَحْكُمُهُ فِي الْجَنَّةِ، فَقَالَ مُوسَى: يَا رَبِّ، وَمَا تِلْكَ الْحَسَنَةِ؟ قَالَ: يَمْشِي مَعَ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ فِي قَضَاءِ حَاجَتِهِ، قُضِيَتْ أَوْ لَمْ تُقْضَ؛ خدای بزرگ به موسی عليه السلام چنین وحی فرستاد: برخی از بندگان من با حسنه به من تقرّب می جویند، و من در بهشت به آنان فرمانروایی می دهم. موسی عرض کرد: پروردگار من! این حسنه چیست؟ خدا فرمود: با برادر دینی خود برای برآوردن نیاز او به راه می افتد، خواه این نیاز برآورده شود، یا نشود.»

الکافی، شیخ کلینی، ج ۲، ص ۱۹۶.

۵. اسراء ۲۹.

۶. الکافی، شیخ کلینی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ ش، ج ۲، ص ۱۰۷.

۷. معاون / ۱ تا ۳.



توصیف شرایط برخی از جهنمیان، علت آن را این گونه بیان می فرماید: ﴿إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَلَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ﴾؛^۱ «چراکه او هرگز به خدای بزرگ ایمان نمی آورد، و هرگز مردم را بر اطعام مستمندان تشویق نمی نمود.»

بر اساس این آیات شریفه یکی از اثرات انکار معاد و عدم ایمان، نه تنها عدم احسان؛ بلکه عدم تشویق دیگران به اطعام مساکین است، پس اولاً احسان و نیکوکاری و رسیدگی به فقرا بر اغنیا لازم است. چنانکه امیرمؤمنان (علیه السلام) در وصیتی به امام حسن (علیه السلام) می فرماید: «... وَ أَوْصِيَكُمْ بِمَحَبَّتِنَا وَ الْإِحْسَانِ إِلَى شِيعَتِنَا فَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ فَلَيْسَ مِنَّا»^۲ وصیت می کنم شما را به محبت و دوستی ما و احسان و نیکی به شیعیان ما، پس (بدانید) کسی که این گونه عمل نکند، از شیعیان و پیروان ما نیست.»

و ثانیاً ممکن است انسان شخصاً

توانایی بر اطعام نداشته باشد؛ اما بیش تر افراد توانایی ترغیب و تشویق دیگران را دارند. به تعبیر دیگر، کسانی که از دارایی و امکانات برای احسان و نیکوکاری برخوردار نیستند، باید از اعتبار، آبرو و امکانات محدود خویش برای کمک به نیازمندان استفاده کنند.

قرآن کریم در سوره «آل عمران» به کسانی که به احسان و فضل خدا ثروتمند شده ولی بخل می ورزند، هشدار می دهد که: گمان نکنید این عمل به سودتان است؛ بلکه بدانید مأموران دوزخ در قیامت تمام ثروت اندوخته تان را به صورت حلقه های آتش بر گردنتان می آویزند و می گویند: «این ثروت شماست که آن را در دنیا اندوخته بودید!»^۳

در آیه دیگر نیز می فرماید: ﴿وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾؛^۴ و کسانی که طلا و نقره را گنجینه (و ذخیره و پنهان) می سازند، و

۱. الحاقه / ۳۳ تا ۳۴.

۲. دعائم الإسلام، نعمان بن محمد تمیمی مغربی، دارالمعارف، مصر، چاپ دوم، ۱۳۸۵ ق، ج ۲، ص ۳۵۰.

۳. آل عمران / ۱۸۰.

۴. توبه / ۳۴.

در راه خدا اتفاق نمی‌کنند، به مجازات دردناکی بشارت ده!»

گرچه به برکت انقلاب اسلامی ایران، سنت احسان و نیکوکاری در کشورمان روبه گسترش است؛ اما فاصله طبقاتی و تفاوت میان ثروتمندان و فقرای جامعه نگران کننده است. امام باقر (ع) فرمود: «يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ عَضُوضٌ يَعَضُّ كُلُّ أَمْرٍ عَلَى مَا فِي يَدَيْهِ وَيَنْسَى الْفَضْلَ وَقَدْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «وَلَا تَنْسُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ...»^۱؛ زمانی سخت بر مردم خواهد آمد که هر کس بر آنچه در اختیار دارد، دندان فرو می‌برد، و احسان به یکدیگر را فراموش می‌کنند، در صورتی که خدا فرموده است: «احسان به یکدیگر را فراموش نکنید!»

«محمد بن عجلان» می‌گوید: خدمت امام صادق (ع) بودم که مردی آمد و سلام کرد. حضرت از او پرسید: حال برادرانت چطور بود؟ او حال آنان را بسیار خوب توصیف نمود. امام (ع) فرمود: آیا ثروتمندان، فقرا را عیادت

می‌کنند؟ عرض کرد: خیلی کم. فرمود: دیدار و احوالپرسی ثروتمندان از فقرا چگونه است؟ عرض کرد: اندک. فرمود: دستگیری توانگران از بینوایان چگونه است؟ عرض کرد: شما اخلاق و صفاتی را ذکر می‌کنید که در میان مردم ما کمیاب است، حضرت فرمود: چگونه اینان خود را شیعه می‌دانند (در حالی که نسبت برادری میان پولداران با فقراء وجود ندارد)؟^۲

امام صادق (ع) می‌فرماید: «أَيُّهَا مُؤْمِنٌ مَنَعَ مُؤْمِنًا شَيْئًا مِمَّا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهِ مِنْ عِنْدِهِ أَوْ مِنْ عِنْدِ غَيْرِهِ أَقَامَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُسَوِّدًا وَجْهَهُ مُزْرَقَةً عَيْنَاهُ مَغْلُولَةً يَدَاهُ إِلَى عُنُقِهِ فَيَقَالُ هَذَا الْخَائِنُ الَّذِي خَانَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ ثُمَّ يُؤْمَرُ بِهِ إِلَى النَّارِ»^۳ «هر مؤمنی که بتواند نیاز مؤمن دیگر را رفع کند - خواه از خودش و خواه از دیگری و با وساطت - و چنین نکند، خدا در روز قیامت او را با چهره سیاه و چشمان برگشته و دستهای به گردن آویخته بر می‌انگیزد و گفته

۲. کافی، ج ۲، ص ۱۷۳.

۳. المحاسن، احمد بن خالد برقی، دارالکتب الإسلامية، قم، ۱۳۷۱ ق، ج ۱، ص ۱۰۰.

۱. کافی، ج ۵، ص ۳۱۰.



می شود: این است آن خائنی که به خدا و رسول خدا خیانت کرده است؛ آنگاه فرمان می رسد تا او را در آتش افکنند.»

آسیب شناسی احسان

در آموزه های دینی برخی مسائل به عنوان موانع احسان مطرح شده است تا مردمان با شناخت و دوری از آنها بتوانند به مقام نیکوکار واقعی دست یابند. از جمله این موانع می توان به «تفاخر و تکبر»^۱ اشاره کرد؛ خصلت و ویژگی ای که موجب رانده شدن ابلیس از درگاه ایزد منان شد و بسیاری از انسانها نیز به خاطر چنین خصلتی از راه هدایت دور و دچار گمراهی شدند. امیرمؤمنان (علیه السلام) می فرماید: «وَإِيَّاكَ وَالْإِعْجَابَ بِنَفْسِكَ وَالثَّقَّةَ بِمَا يُعْجِبُكَ مِنْهَا وَحُبَّ الْإِطْرَاءِ فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ أَوْثَقِ فُرْصِ الشَّيْطَانِ فِي نَفْسِهِ لِيَمْحَقَ مَا يَكُونُ مِنْ إِحْسَانِ الْمُحْسِنِينَ»^۲ مبادا هرگز دچار خودپسندی گردی! و به خوبیهای خود اطمینان کنی، و ستایش را دوست داشته باشی، که اینها همه از بهترین

فرصتهای شیطان برای هجوم آوردن به توست، و کردار نیک نیکوکاران را نابود می سازد.»

آسیبهای دیگر که می تواند احسان

و نیکوکاری را نابود سازد، عبارتند از:

۱. **منت و آزار:** قرآن کریم با یادآوری این نکته که شرط قبولی انفاق در راه خدا، پرهیز از منت و آزار است، می فرماید: «الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتَّبَعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَنًّا وَلَا أَذًى لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»^۳ «کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند، سپس به دنبال انفاقی که کرده اند، منت نمی گذارند و آزاری نمی رسانند، پاداش آنها نزد پروردگارشان (محفوظ) است و نه ترسی دارند، و نه غمگین می شوند.»

بر این اساس، در صورتی انفاق در راه خدا مورد قبول خدای متعال قرار می گیرد که به دنبال آن منت و چیزی که موجب آزار و رنجش نیازمندان است، نباشد. لازم است به این واقعیت توجه داشته باشیم که معمولاً محرومان

۱. نساء / ۳۶.

۲. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۳. بقره / ۲۶۲.



جامعه به جهت ضعف اقتصادی از حساسیت عاطفی بیش‌تری برخوردارند و چه بسا کم‌ترین اشاره دربارهٔ کمکهای گذشته و حال، سنگین‌ترین ضربه‌ها را به شخصیت و شئون خانوادگی آنها وارد سازد، که گاه به هیچ صورت قابل جبران نیست.^۱ بنابراین، کسانی که کمکهای مالی، هزینهٔ ادامهٔ تحصیل، ازدواج و جهیزیه، و... را به نیازمندان یادآوری می‌کنند، پاداش خود را ضایع کرده، بهره و ثوابی از کار خود به دست نخواهند آورد. اهمیت این نکته به حدی است که امام زین العابدین (علیه السلام) می‌فرماید: «وَأَجْرٌ لِلنَّاسِ عَلَى يَدَيِ الْخَيْرِ وَلَا تَمَحِّقُهُ بِالْمَنِّ»^۲ و خیر و نیکی را به دست من برای تمام مردم جاری ساز و آن را با آلوده شدن به منت نابود مکن!

۲. بزرگ نشمردن کارهای نیک:

یکی از آموزه‌های دینی این است که همواره کارهای نیک خود را کوچک و ناچیز بدانیم. امام سجاده (علیه السلام) در «دعای

مکارم الاخلاق» از خدا می‌خواهد: «وَسِتْقَالُ الْخَيْرِ وَإِنْ كَثُرَ مِنْ قَوْلِي وَفِعْلِي؛ (خدایا! به من توفیق بده) احسان و نیکی در گفتار و کردارم را کم و کوچک شمرم، اگر چه بسیار باشد.» و امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «رَأَيْتُ الْمَعْرُوفَ لَا يَصْلُحُ إِلَّا بِثَلَاثِ خِصَالٍ تَصْغِيرِهِ وَتَسْتِيرِهِ وَتَعْجِيلِهِ فَإِنَّكَ إِذَا صَغَّرْتَهُ عَظَمْتَهُ عِنْدَ مَنْ تَصْنَعُهُ إِلَيْهِ وَإِذَا سَتَرْتَهُ تَمَمْتَهُ وَإِذَا عَجَلْتَهُ هَنَأَتْهُ وَإِنْ كَانَ غَيْرُ ذَلِكَ سَخَفْتَهُ وَنَكَّدْتَهُ»^۳ احسان و کار نیک را جز به سه خصلت آراسته و درست ندیدم: کوچک دانستن آن، پنهان انجام دادنش، و شتاب در تحققش. هنگامی که آن را کوچک دانستی، نزد کسی که به او احسان کرده‌ای آن را بزرگ و عظیم نموده‌ای، و چون پنهانش داشتی، کار خود را کامل و تمام کرده‌ای، و وقتی در انجامش شتاب ورزیدی، آن را گوارا نموده‌ای و اگر غیر از این باشد، آن را نابود و ناگوار کرده‌ای.

۱. مقدمه‌ای بر خدمات اجتماعی اسلام، محمدی زاهدی اصل، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۷ش، ص ۵۲.

۲. صحیفه سجادیه، دعای ۲۰.

۳. الکافی، ج ۴، ص ۳۰.





۳. عدم بخشش اموال بی ارزش:

بعضی از مردم عادت دارند از اموال بی ارزش و غیر قابل استفاده‌ای که به دردشان نمی‌خورد، احسان و بخشش کنند. این گونه بخششها علاوه بر آنکه سود چندانی به حال نیازمندان ندارد، نوعی اهانت و تحقیر نسبت به آنهاست و مانع تربیت معنوی و پرورش روح انسانی نیز می‌شود. به همین خاطر قرآن کریم صریحاً مردم را از این کار نهی کرده و یادآور می‌شود شما خودتان حاضر نیستید این گونه اموال را بپذیرید، مگر از روی کراهت و ناچاری، پس چرا درباره برادران مسلمان و از آن بالاتر، خدایی که در راه او انفاق می‌کنید و همه چیز شما از او است، راضی به این کار می‌شوید؟^۱

در حقیقت، آیه به این نکته لطیف اشاره می‌کند که یک طرف انفاق در راه خدا، مؤمنان نیازمندند و طرف دیگرش خدا و با این حال، اگر اموال پست و بی ارزش برای احسان انتخاب شود، از یک سو تحقیری نسبت به نیازمندان

است که شاید علی‌رغم تهیدستی، از نظر ایمان و انسانیت مقام بلندی داشته باشند و روحشان آزرده شود و از سوی دیگر نسبت به مقام پروردگار بی ادبی محسوب می‌گردد.

پس اولاً باید توجه داشته باشیم که احسان به نیازمندان، لطف ما به آنان نیست؛ بلکه وظیفه‌ای است که خدا بر عهده تک تک افراد جامعه اسلامی گزارد است. ثانیاً قبل از آنکه دیگران به کمک ما نیازمند باشند، ما نیازمند احسان هستیم تا بتوانیم از ثمرات آن بهره‌مند شویم و ثالثاً گرچه با تلاش مسئولان، روزی به عنوان «احسان و نیکوکاری» اعلام شده است و مناسب است آحاد جامعه به شکلی نام خود را در این کار پسندیده به ثبت برسانند؛ اما فراموش نکنیم که احسان و نیکوکاری زمان بردار نیست و لازم است این فرمان الهی در تمام سال مورد توجه قرار گیرد.